

مبانی احکام دامپزشکی در آیات و روایات

مهدی هراثی^{۱*}، سعید حسن زاده دلگشا^۲، حسین جدیری^۳، رحیم وکیل زاده^۲، میرهادی خیاط نوری^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه فقه و مبانی حقوق، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بناب، بناب، ایران

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

۳. استادیار گروه علوم درمانگاهی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

* نویسنده مسئول مکاتبات: m.harasi@iaut.ac.ir

(دریافت مقاله: ۸۸/۱۰/۱۳، پذیرش نهایی: ۸۹/۷/۱۰)

چکیده

امروزه با پیشرفت تکنیک‌های مختلف درمان، پیشگیری و جراحی و کاربرد وسایل مختلف در علوم دامپزشکی و رخداد مسائل مستحدثه و عنایت به نقش تعیین کننده علوم دامپزشکی در تأمین بهداشت جامعه و نیز تأمین فرآورده‌های خام دامی، لزوم شکافت ابعاد مختلف دامی و حیوانی، ذبح و مسائل مبتلا به کشتارگاهی و ... بیش از پیش رخ می‌نماید که بعضاً هیچ قول مستند و مکتوبی در آن مورد وجود ندارد و یا نیاز به استفتا به جهت تشریح ابعاد جدید آن احساس می‌شود. تا ضمن اطمینان مصرف کنندگان از بحث سلامتی و بهداشت آنها، از نظر خالی از اشکال شرعی بودن نیز اعتماد کافی جلب شود در این تحقیق بنا بر این است تا ضمن جستجو در منابع قرآنی و احادیث و روایات در این خصوص از نظرات مراجع عظام تقلید نیز در باب مسائل موضوعی جدید بهره برداری گردد.

مجله دامپزشکی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، دوره ۴، شماره ۲، پیاپی ۱۴، صفحات: ۸۳۵-۸۲۱.

کلید واژه‌ها: دامپزشکی، احکام، آیات، روایات

مقدمه

روایات و مطالب بسیاری وجود دارد که از آگاهی حیوان از محیط اطراف و شعور و درک او حکایت می‌کند و برخورداری حیوانات از این مجموعه ادراکات، اثبات می‌کند که حیوان موجود محترمی است و این اصل به عنوان یک قاعده کلی در همه مسائل، جاری و ساری می‌باشد و دیگر نمی‌توان به حیوان نگاه مالی داشت و تنها در صورت ضرر و خسران مالی برای او حرمتی قائل شد.

آشنایی با برخی اصطلاحات فقهی مربوط به دامپزشکی

در گنجینه عظیم و با ارزش کتب فقهی مباحث متنوعی در مورد مسائل فقهی و حقوقی مربوط به حیوانات وجود دارد که در این فصل پاره‌ای از آنها را مورد دقت قرار می‌دهیم.

حلال و حرام گوشت

در قرآن مجید در آیه ۳ سوره المائده و آیه‌های ۱۴۵ و ۱۴۶ سوره الانعام احکام حلال و حرام گوشت‌ها ذکر شده است:

ذبح شرعی

دکتر تاجبخش در کتاب تاریخ دامپزشکی در دوران اسلامی در این مورد اشاره کرده و آورده حیوانات حلال گوشت باید به طریقی شرعی سر بریده و یا نهر (در مورد شتر) شوند تا گوشت آنها برای مسلمین قابل مصرف باشد.

شرط ذبح کننده این است که مسلمان یا در حکم مسلمان باشد، مانند مسلمان زاده و بنابراین ذبح کافر خواه مشرک یا غیره حتی اهل کتاب بنابر اقوی حلال نیست.

در ذبح کننده ایمان شرط نیست و بنابراین ذبح تمام فرق اسلامی حلال است بجز ناصبی (دشنام دهنده به ائمه(ع)) که هر چند اظهار اسلام کند، حلال نیست.

در ذبح کننده مرد بودن، بلوغ و غیره شرط نیست و بنابراین ذبح بانوان، خنثی، زنی که در رگل یا دوران زایمان است و یا جنب و کودک تمیز دهنده و نابینا و زنا زاده حلال است (۲).

زکات حیوانات

دکتر تاجبخش در کتاب تاریخ دامپزشکی در دوران اسلامی در این مورد اشاره کرده و آورده زکات و صدقه که هر دو یک معنی دارند، مالیات یا حقی است که از مسلمانان متمول که ثروت آنها به حد معینی رسیده، گرفته شده و برای فقرای مسلمین و برخی حوائج دیگر مصرف می‌شود که مستحقین آن در آیه ۶۰ سوره التوبه مشخص شده‌اند. برای دریافت، نگهداری و مصرف زکات، دیوان معینی در دارالخلافه و تمام شهرهای ممالک اسلامی وجود داشته است. زکات به چهار چیز یعنی زر و سیم، میوه (مویز و خرما)، محصول کشت و کار (گندم و جو) و چهارپایان هر کدام با شرایطی معین وقتی به حد مشخصی برسند تعلق می‌گیرد)

رسول خدا به مردم یمن نامه‌ای نوشت و زکات حیوانات را تعیین فرمود. ابوبکر خلیفه اول مسلمین نیز در نامه‌ای که به انس بن مالک حاکم بحرین نگاشت، به استناد فرموده پیامبر، زکات حیوانات را معین کرد. فقهای شیعه و سنی در مورد زکات، کتابها نوشته و چگونگی آن را مشخص کرده‌اند. در

آیه ۳ المائده: حرمت علیکم الميته والدم ولحم الخنزیر و ما اهل لغیرالله به والمنخنقه والموقوذه والمتردیه والنطیحه وماکل السبع الا ماذکیتیم وما ذبح علی النصب وان تستقسموبالازلام ذلکم فسق ...

ترجمه: «حرام کرده آمد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و آنچه کشند به نام غیر خدا و آنچه به واسطه خفه شدن، با چوب زده شدن، از بلندی افکندن یا شاخ زدن بهم بمیرند و آنچه آن را دد و دام بخورد مگر آنکه آن را تذکیه کنند و آنچه کشته شود برای بتان و آنکه سوگند خورند به گروگان (با قرعه انتخاب کنند که رسمی بود در جاهلیت) که این کار تباهی است...»

آیه ۱۴۵ الانعام: قل لا اجد فی ما اوحی الی محرما علی طاعم یطعمه الا یكون ميته اودما مشفوحا او لحم خنزیر فانه رجس او فسقا اهل لغیر الله به فمن اضطر غیرباغ ولاعاد فان ربک غفور رحیم.

ترجمه: «بگو در آنچه به من وحی کرده شده برای خوردندگان طعام، چیز حرامی نمی‌یابم مگر آنکه مردار (حیوان تلف شده) یا خون ریخته یا گوشت خوک باشد که پلیدی است یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق ذبح کنند، هرگاه کسی به خوردن آنها ناچار گردد به شرطی که از روی تعدی و تجاوز از فرمان خدا نباشد باز خدا خواهد بخشید که آمرزگار است و بخشاینده.»

آیه ۳ سوره مائده در ضمن نوعی بازرسی کشتارگاهی را دستور می‌دهد. در نهایت تدبیر شناخت گوشت مردار از گوشت ذبح شده یاد شده که براساس انعطاف یا صلابت گوشت در برابر آتش است که آن را می‌توان، نوعی بازرسی آزمایشگاهی گوشت دانست: «و اگر کسی گوشتی یابد که نداند کشتار است یا مردار باید که بر آتش افکند اگر باهم شود کشتار باشد اگر با هم نشود و راست بایستد مردار بود» (۱).

صورت رسیدگی نکردن مرگ آن محقق باشد، گرفتن آن واجب کفائی است.

به هر حال در این نوع موارد وقتی فرد حیوان را از مرگ نجات داد و موجب درمان وی گردید، اگر بخواهد خود مالک آن می گردد، و گرنه می تواند آن را نگه دارد تا صاحبش پیدا شود و یا به حاکم شرع تحویل دهد و مخارج انجام شده را از مالک حیوان مطالبه کرده و یا از بهای فروش آن بر می دارد. اگر گوسفند در آبادی یافت شود، یابنده تا سه روز آن را نگه می دارد و اگر صاحبش پیدا نشد، حیوان را فروخته و مبلغ آن را صدقه می دهد. همه این احکام جهت حفظ و حراست و درمان حیوانات رها شده و درمانده است (۸).

دیه ناشی از حمله و هجوم حیوانات یا کشتن حیوانات

دیه اصطلاحی فقهی است و آن پرداخت غرامتی است که واجب می شود به واسطه وقوع جنایتی. در کتب فقهی در فصل دیه ها (دیات)، مباحثی در مورد دیه مربوط به حیوانات وجود دارد که گاهی از آن به عنوان جنایات یاد می شود که در اینجا به برخی از آنها اشاره می نمایم.

حیوانی که احتمال حمله او به انسان یا حیوانات دیگر وجود دارد باید مقید شود و اگر حیوان کسی موجب زیان دیگری شد صاحب حیوان باید خسارت را جبران کند. اگر حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و موجب مرگ یا خسارت حیوان ثانوی شود صاحب حیوان حمله کننده ضامن است ولی اگر حیوان مورد تهاجم از خود دفاع کند و به حمله کننده خسارت وارد آورد بر صاحب حیوان ثانوی غرامتی نیست. کسی که سوار حیوانی است اگر کاری کند که آن حیوان به کسی آسیب برساند و یا اگر فردی دیگر موجب تحریک حیوان و آسیب رسانیدن به فردی شود جنایت کننده، ضامن است. اگر کسی درب قفس را باز کند تا پرنده کسی پرواز کند، ضامن است و باید خسارت را بپردازد.

صورتی به چهارپایان، زکات تعلق می گیرد که در مرتع طبیعی بچرند، نه اینکه تغذیه دستی داشته باشند (۳).

خيار حیوان و خرید و فروش حیوانات

اگر کسی حیوانی را بخرد و پیش از استفاده در آن، عیبی ظاهر شود مشتری حق دارد حیوان را پس بدهد یا تفاوت قیمت (ارش)^۱ آن را بگیرد. در اینجا مسئله خیار حیوان^۲ نیز مطرح است.

به استناد خبری که از امام صادق (ع) روایت شده اگر شخصی حیوانی را بخرد تا سه روز اختیار دارد معامله را فسخ کند. در کتاب شرایع آمده است که این اختیار برای مشتری است نه برای فروشنده و اگر در موقع معامله شرط کنند که خیار حیوان ساقط است، اختیار فسخ معامله از بین می رود. البته مشتری در مدت سه روزه خیار حیوان نباید در آن تصرف کند. به نظر می رسد خیار حیوان نوعی قرنطینه برای بروز احتمالی برخی از بیماری های قبلی و یا عیوب باشد (۸).

حیوان ضاله (گم شده)

در مورد حیوان گم شده که ضاله یا لُقْطَه^۳ حیوان نامیده می شود، احکام فقهی خاصی وجود دارد. اگر کسی حیوانی بی صاحب را در علفزاری که در آن آب وجود دارد بیابد به عقیده بعضی از مجتهدین از جمله شهید اول، گرفتن آن مکروه است. در صورتی که شیخ مرتضی انصاری در «صراط النجاة» این کار را مجاز می داند. چنین فردی (اگر چه مجاز باشد) ضامن است که حیوان را به مالک آن و در صورت عدم امکان به حاکم شرع برساند و حق طلب هزینه های انجام شده را ندارد.

اگر فردی حیوانی گم شده را در بیابان بدون آب و علف بیابد گرفتن آن مستحب است و اگر حیوان بیمار یا کوفته باشد و در

^۱- ارش، کم کردن قیمت برای عیبی در متاع

^۲- در ماده ۳۹۸ قانون مدنی ذکر شده است: اگر مبيع، حیوان باشد مشتری

تا سه روز از حین عقد اختیار فسخ معامله را دارد.

^۳- چیز پیدا شده.

ضمان^۱ پزشکی و دامپزشک

همچنین دکتر تاجبخش در کتاب تاریخ دامپزشکی در این مورد نیز اشاره کرده و آورده در فصل دیات کتابهای فقهی از مسئول بودن پزشک و دامپزشک در معالجه انسان و حیوان بیمار بحث شده است. علامه حلی^۲ در شرایع الاسلام ذکر می‌کند که طیب اگر عارف یعنی حاذق یا به عبارت امروزه متخصص نباشد، ضامن آنچه تلف می‌کند خواهد بود. در ضمن اگر طفل یا دیوانه‌ای را بدون اذن ولی او معالجه کند و بیمار تلف شود باز مسئول است. اگر طیب عارف و حاذق باشد و بیمار او را اجازه معالجه کردن داده باشد ولی سرانجام فوت شود، بعضی گفته اند طیب ضامن نیست.

البته ابوالقاسم بن احمد یزدی مترجم دانشمند شرایع (ترجمه ۱۲۴۳ ق) در این زمینه عقاید مختلف را ذکر می‌کند. در مورد دامپزشک (بیطار) و معالجه حیوان و تلف شدن آن نیز همین موضوع صادق است. شیخ طوسی در النهایه نیز همین مطلب را نوشته و از مجموع چنین برمی‌آید که اگر طیب یا دامپزشک (بیطار) حاذق از اولیاء، یعنی خود فرد بیمار بالغ یا سرپرستان او و از صاحب حیوان برائت گیرد یعنی آنها ذکر کنند که اگر فرد انسان یا حیوان تلف شد، طیب ضامن نیست، در این صورت غرامتی نباید پردازد. این مطلب مستند به روایتی است که در شرایع آمده است: «... به جهت روایت (سکونی) از حضرت صادق (ع) که: فرمود، که فرمود حضرت امیرالمومنین (ع) که: هرکس که، طبابت یعنی معالجه کند. انسانی را یا بیطاری کند، یعنی معالجه کند حیوانی را پس بگیرد برائت را از ولی او، و اگر نگیرد، پس او ضامن است

بعد همین مترجم ذکر می‌کند که، نیاز به معالجه کردن وجود ندارد، پس اگر برائت مشروع نباشد، معالجه کردن مشکل خواهد بود.

در النهایه (ترجمه) ذکر شده: «واگر طبیبی معالجه کند کسی را که مخاطره بود آن مداوای کردن، یا بیطاری، بیطاری کند باید از اولیاء برائت گیرد والا ضامن بود هر جنایتی را که ظاهر شود». در اینجا در ضمن به وجود شغل بیطاری در زمان حضرت علی (ع) و سده‌های مربوط به تالیف کتابهای فوق پی می‌بریم (۳).

شکار با سگ تعلیم دیده و پرندگان شکاری

در آیه ۴ سوره المائده موضوع صید به وسیله سگان شکاری ذکر شده است:

یسئلونک ماذا احل لهم قل احل لهم الطیبات و ما علمتم من الجوارح مکلبین تعلمونهن مما علمکم الله فکلوا مما امسکن علیکم و اذکروا اسم الله علیه و اتقوا الله ان الله سریع الحساب»
«از تو می‌پرسند چه چیز برایشان حلال است، بگو چیزهای پاکیزه برای شما حلال است و حیواناتی را که تعلیم شکار داده‌اند (و صیدی که به سگان شکاری آموخته‌اند) و از آنچه خدا به شما آموخته به آنها آموخته‌اید، از شکاری که بر شما می‌گیرند بخورید و نام خدا را بر آن ببرید و از خدا بپرهیزید که خداوند زود حساب است».

سگی را که تعلیم شکار دیده است، «کلب معلم» گویند. این حیوان شکار را گرفته و زخمی کرده تا صاحبش سر برسد و اگر شکار قبل از سر رسیدن صاحب کشته شد نیز مانعی ندارد. همان‌طوری که حیوان تذکیه می‌شود و گوشت حیوان ماکول اللحم خوردن آن، به ذبحی که به طرز معتبر شرعی واقع شده حلال می‌شود، همچنین به شکار به طرز معتبر هم تذکیه می‌شود، و آن یا به حیوان است یا بغیر آن. و به عبارت دیگر وسیله‌ای که با آن شکار می‌شود یا حیوانی است یا جمادی. و کلام در هر دو قسم در ضمن مسائلی تمام می‌شود.

^۱ - قبول کردن، ملتزم شدن به اینکه هرگاه کسی به عهد خود وفا نکرد از عهده خسارت برآید.

^۲ - ابوالقاسم نجم الدین معروف به محقق حلی یا علامه حلی (ف ۶۷۶ ق) معاصر خواجه نصیرالدین طوسی بود و از بزرگان فقهای شیعه است.

ببرد ولی باید اطمینان حاصل شود که ماهی را زنده از آب گرفته‌اند و برخی از مجتهدین اعتقاد دارند که باید مسلمان، زنده گرفتن آن را دیده باشد. شیخ محمدبن الحسن طوسی (ف ۶۰ق) در «النهایه» می‌گوید: «صید ماهی، گرفتن وی است و از آب بیرون آوردن زنده بر هر وجهی که بود... مسلمان بود یا کافر از همه اجناس کفار و لیکن آن صید آن کس می‌کند که مسلمان نبود روا نبود و خوردنش الا که دیده باشند که وی ماهی از آب زنده بیرون آورده باشد» (۳).

تاریخ دامپزشکی در دوران اسلامی با رویکرد فقهی

انسان پزشکی و دامپزشکی را از حیوانات فرا گرفت دکتر تاجبخش در کتاب تاریخ دامپزشکی در این مورد اشاره کرده و آورده انسان پیش از تاریخ در دوران پارینه سنگی و نوسنگی به مدت دهها هزار سال تنها از شکار حیوانات و گاهی گیاهان وحشی تغذیه می‌کرد تا سرانجام همچنان که گفته شد برخی از حیوانات را اهلی کرد. وی همواره به رفتار حیوانات نگریسته و از آنها درس و الهام می‌گرفت.

برخی عقیده دارند نخستین آموزنده پزشکی و دامپزشکی به انسان، حیوانات بوده‌اند. چنانکه محمدبن زکریای رازی (متوفی ۳۱۳هـ ق) در مفید الخواص و ابومنصور موفقی هروی (متوفی قرن ۴ یا اوایل ۵ هـ ق) در الابنیه عن حقایق الادویه ذکر می‌کنند: اگر جوجه پرستو یرقان بگیرد، پرستو سنگ یرقان (سنگ زرده یا حجرالخطاطیف «پرستوها») را آورده و در لانه‌اش می‌گذارد و جوجه بدین وسیله درمان می‌شوند، مردم از این امر استفاده کرده به جوجه‌های پرستو زعفران مالیده تا پرستو تصور کند جوجه‌هایش یرقان گرفته و سنگ یرقان را بیاورد و بدین ترتیب سنگ یرقان را به دست می‌آوردند.

«رازی در کتاب الخواص خود نقل کرده است: اگر جوجه پرستو یرقان گرفت، سنگ یرقان می‌آورد و آن سنگ کوچکی است که آن را می‌شناسد. سنگ مزبور را در لانه خود می‌گذارد یرقان جوجه‌اش برطرف می‌شود. مردم برای آنکه به این سنگ دسترسی پیدا کنند به جوجه او زعفران می‌مالند، پرستو تصور

مسأله ۱- حلال نمی‌شود از صید حیوان و مقتول آن مگر اینکه به سگ تعلیم یافته باشد، چه تازی سلوقی باشد یا غیر آن و چه سیاه باشد یا غیر آن. پس شکار غیر آن، از حیوانات درنده مانند یوزپلنگ و پلنگ و غیر اینها و پرنده‌های درنده مانند قوش شکاری و عقاب و قرقی، اگرچه تعلیم یافته باشند، حلال نمی‌باشند. پس آنچه را که سگ معلم می‌گیرد و با گاز گرفتن و جرح آن، آن را می‌کشد، مذکی است و بدون ذبح خوردن آن حلال است، پس گاز و جرح سگ از هر جای حیوان که واقع باشد به منزله ذبح آن است.

مسأله ۲- در حلال بودن شکار سگ، معتبر است که برای شکار تعلیم دیده باشد و نشانه اینکه چنین صفتی دارد این است که در صورت عدم مانع، عادتش این است که اگر صاحبش او را روانه کند به طرف شکار راه می‌افتد و حرکت می‌نماید و اگر او را منع کند، از رفتن خودداری می‌کند و توقف می‌نماید. البته اگر در وقت دیدن شکار و نزدیکی آن، منزجر نشود و نایستد ضرری نمی‌رساند و احتیاط این است که از عادت او (که تخلف نمی‌شود مگر به ندرت) این باشد که صید را بگیرد و چیزی از آن نخورد تا صاحبش برسد (۵).

صید ماهی

در ایران شکار ماهی یکی از شغل‌های اصلی ساحل نشینان خلیج فارس و بحر خزر می‌باشد.

ماهی در دنیای قدیم یکی از غذاهای اصلی مردم نزدیک به دریا و حتی نواحی دوردست بود. در مورد احکام صید ماهی در کتب فقهی مطالب زیادی نوشته شده است. در فقه امامیه تنها ماهیان فلس دار حلال می‌باشند. ماهی را باید زنده از دریا صید کنند و یا اگر بر اثر امواج به کنار دریا بیفتد باید قبل از مرگ آن را بردارند. بنابراین صیدهای ناجوانمردانه‌ای که برخی از خدا بی‌خبران با تله‌ها و نارنجک‌ها می‌کنند و انبوه ماهیان دریاهای رودها را در آب می‌کشند حرام است و موجب خسران دنیا و آخرت آنان و نابودی محیط زیست می‌شود. کسی که ماهی را صید می‌کند ضرورتی ندارد مسلمان باشد و نام خدا را

ابوریحان بیرونی (متوفی ۴۴۰ هـ ق) نیز این داستان را نقل می‌کند و می‌گوید:

«این همچنان است که خداوند از زبان آن کس که دفن مردگان را نمی‌دانست فرمود: «قال یا اعجزت ان اکون مثل هذا الغراب» سوره مائده آیه ۳۱: گفت ای وای بر من آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم» بدین ترتیب قایل که برادر خود را کشته بود از کلاغی که با چنگال خود گودالی کنده بود، دفن کردن جسد برادر خود، یعنی مردگان را فراگرفت. الهام گرفتن از حیوانات را ابن القیم (متوفی ۷۵۱ هـ ق) نیز در طب النبوی ذکر می‌کند (۳).

همین الهام گرفتن از طبیعت است که گفته‌اند (الطبیعه طیب کامل و الطیب فادمها) نهاد جان یا نهاد تن پزشک رسا و بزرگواری است و پزشکان چاکران و پرستاران اویند (دهخدا).

انسان پیش از تاریخ سر انجام از حیوانات الهام گرفت، تجربیات پزشکی و دامپزشکی به دست آورد و آن را سینه به سینه انتقال داد و هر نسلی احتمالاً دانش‌های جدیدی کسب کرد. انسان دوره غارنشینی نیز، به نوعی دامپزشکی انجام می‌داده است. از تصاویر کنده کاری شده بر روی دیوارهای بعضی از غارها چنین بر می‌آید که در میهمانی‌های اسرارآمیز غارها، موبدان^۱ یا جادوگران به سلامت حیوانات توجه کرده و اعمالی انجام می‌داده‌اند، اینان نخستین پزشکان و دامپزشکان بوده‌اند. بدین ترتیب نوعی طب و دامپزشکی مذهبی ابداع شد که طی قرون و اعصار ادامه یافت.

چراغ علم نخستین بار در عصر نوسنگی، حدود ده هزار سال پیش در خاورمیانه افروخته شد، جانوران را اهلی کرده و در مورد فیزیولوژی و زندگی آنان تجربیاتی کسب کردند. مسلماً انسان‌های پیش از تاریخ همچون برخی از مردمان ابتدایی که هنوز هم مشاهده می‌شوند، گیاهان و مواد معدنی را ابتدا به طور اتفاقی و بعداً به طور تجربی و دلخواه مورد دقت قرار داده و آنها را به اقسام گوناگون تقسیم می‌کردند. چوپانان بیابان‌گرد

می‌کند که جوجه‌اش یرقان گرفته و می‌رود آن سنگ را می‌آورد. مردم آن را برداشته به یرقانی می‌آویزند، بیمار از آن استفاده می‌کند.»

«حجرالیرقان یکی مهره زرد است به رنگ یرقان و چون حکیمان خواستند که وی را بشناسند برفتند و بچه پرستو را روی زرد کردند. چون مادرشان باز آمد و بچه خویش را روی زرد دید گمان برد که آن یرقان است، برفت و آن سنگ را از کوهی بیاورد، به آن ناحیت و اندرخانه خویش بنهاد، حکیمان برفتند و این سنگ برداشتند و بروی آویختند که وی را یرقان بود، به شد.»

ابن ابی اصیبه باز در عیون الانباء ذکر می‌کند: اگر عقاب ماده گرفتار سختی تخم گذاری شود عقاب نر سنگی به نام قلقل را آورده و در لانه می‌گذارد، این سنگ که آن را سنگ عقاب می‌نامند از درون خود صدا می‌کند و سبب آسانی تخم گذاری می‌شود. مردم همین سنگ را کنار زائو می‌گذارند.

جالینوس در کتاب «الحقن» خود از هرودت نقل می‌کند. ایبیس یا لک لک سیاه که در اطراف نیل فراوان است تنقیه را به بشر یاد داده است، بدین ترتیب این پرنده که پرخور و گنده خوار است برای دفع دل درد، مقار خود را از آب دریا پرکرده، در مخرج خود فرو برده و خود را تنقیه می‌کند تا شکمش کار کند و راحت شود.

ابوالفرج علی بن الحسین بن هندو از دانشمندان ایرانی نیمه دوم قرن چهارم و اوائل قرن پنجم هـ ق گوید:

« و اما الذی تعلموه من الهامات البهائم، فکما یحکی من ان الحقنه تعلمت من طایر طویل المنقار، یاوی ساحل البحر، و ذلک انه یصیبه القولنج، فیغترف بمنقاره ماء البحر الذی هواجاج، ویصبه فی دیره، فینحل قولنجه: مثال اموری که از الهامات حیوانات دریافت شده داستان پرنده داز منقاری است که دچار قولنج شده بود و به کنار دریا آمد و منقارش را از آب اجاج (تلخ) پر کرد و در نشیمن گاه خود خالی نمود و سپس قولنج از او برطرف شد.»

^۱ - ارتباطی به موبد زرتشتی ندارد.

غالباً به چهارپایی که بر آن سوار شوند یا بارکشند اطلاق می‌شود:

دابه: ۱۶۴/بقره، ۴/جاثیه، ۲۹/شوری، ۴۵/فاطر، ۱۰/لقمان، ۴۹/نحل، ۶۱/نحل، ۴۵/نور، ۶/هود، ۳۸/انعام، ۱۴/سبأ، ۸۲/نمل.

دواب: ۵۵/انفال، ۱۸/حج، ۲۲/انفال، ۲۸/فاطر.

انعام: (جمع "نعم")، چهارپایان شامل: شتر، خر، گاو، گوسفند و بز. آیات ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹ و ۱۴۲/انعام، ۳۰ و ۳۴/حج، ۶/زمر، ۱۱/شوری، ۳۲/عبس، ۷۹/غافر، ۲۸/فاطر، ۴۴ و ۴۹/فرقان، ۲۱/مؤمنون، ۱۲/محمد، ۳۲/نازعات، ۵، ۶۶، ۸۰/نحل، ۱۱۹/نساء، ۲۴/یونس، ۱۴/آل‌عمران، ۲۷/سجده، ۱۳۳/شعراء، ۵۴/طه و ۷۱/یس.

وحوش: جمع وحش به معنای جانور وحشی: ۵/تکویر.

طیر: پرنده: ۱۴/آل‌عمران، ۷۹/انبیاء، ۲۶۰/بقره، ۳۱/حج، ۱۰/سبأ، ۱۹/ص، ۱۱۰/مائده، ۱۹/ملک، ۱۷، ۷۹/نحل، ۱۶ و ۲۰/نمل، ۴۱/نور، ۳۶ و ۴۱/یوسف، ۳/فیل.

جوارح: جمع "جارج"، جانور شکاری: ۴/مائده.

سبع: جانور درنده (۳/مائده)

ذی ظفر: حیوان ناخن‌دار (۱۴۶/انعام)

بهیمه (جمع: بهائم): چهارپایان اهلی: شتر، گاو و گوسفند: مائده/۱، حج/۲۸ و ۳۴.

اسامی خاص

در برخی آیات، اسامی حیوانات به‌طور خاص و صریح آمده است. حیواناتی که اسامی خاص آنها در قرآن آمده عبارتند از: گاو، گوسفند، بز، شتر، اسب، الاغ، خوک، میمون، فیل، گرگ، سگ، شیر، کلاغ، هدهد، مگس، وزغ، مار، ماهی، موریانه، پشه، زنبور، شپش، عنکبوت، ملخ و مورچه. آیات مربوطه بعداً اشاره خواهد شد.

یکی از محققان، تمامی حیواناتی را که در قرآن کریم از آنها ذکری به میان آمده را به گروه‌های زیر تقسیم کرده است:

نیز باید اولین دامپزشکان و شاید پزشکان باشند و الزاماً از شکسته بندی و جا انداختن استخوان‌ها که برای گوسفندان یا گاوان پیش می‌آمد اطلاع حاصل کردند و با داروهای گیاهی نیز آشنا شدند. اینان علاوه بر درمان جراحات‌ها و شکسته بندی و جا انداختن در رفتگی مچ پا از برخی بیماری‌های دیگر نیز بالاجبار اطلاعی کسب کردند. اولین دخالت‌های بهداشتی بشر باید برای کمک به گاو در مواقع زایمان باشد که در اینجا تنها دانش مطرح نیست و مهارت بسیار مؤثر است (۳).

بشر بیماری‌ها را ناشی از ارواح خبیثه می‌دانست و اعتقاد داشت که نوعی جنون و اختلالات مغزی ناشی از رسوخ دیو در مغز بیماران است. از این رو عمل شکافتن جمجمه در برخی جوامع ابتدائی معمول بود. جمجمه را می‌شکافتند تا روح خبیث از مغز خارج شود. این توجیه و عمل در تمدن‌های بزرگ خاور نزدیک وجود داشته است و می‌توان تصور نمود که همین امر انسان را هدایت کرد تا چنین عملی را در مورد حیوانات اهلی نیز انجام دهد.

نحوه کاربرد اسامی جانوران و لغات مربوط به آنها در قرآن کریم

کلمات مرتبط با جانوران به اشکال مختلف در قرآن کریم بکار رفته است که برای بهره‌برداری بیشتر در تقسیم بندی زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد:

اسامی حیوانات

طبق بررسی‌های انجام شده اسامی حیوانات در ۵۲ سوره قرآن کریم و ۱۵۴ آیه یاد شده است. این اسامی به دو صورت اسامی عام و اسامی خاص آمده است:

اسامی عام

در برخی آیات قرآن کریم، حیوانات با اسامی وصفی که بر همه یا انواع معینی از حیوانات دلالت دارد آورده شده‌اند که ممکن است به راحتی قابل تمایز نباشند. این اسامی عبارتند از:

دابه و دواب (جمع دابه): دابه به معنای جنبنده است. یکی از محققان می‌نویسد: "دابه به هر حیوان که بر زمین راه رود و

زیبایی، که روحیه شنونده به خصوص عرب بادیه‌نشین را به شادی و وجد می‌آورد ابراز داشته است:

والعادیات ضیحاً فالموریات قدحاً ... (آیات ابتدای سوره عادیات):

قسم به اسبانی که (سواران اسلام در جهاد با کفار) تاختند تا نفسشان به شماره افتاد و قسم به بیرون آوردگان جرعه آتش در برخورد سم‌هایشان با سنگ‌های بیابان.

فالحاملات وقراً (۲/ذاریات)

هر چند مترجمین عمدتاً چنین ترجمه کرده‌اند: قسم به ابرها که بارسنگین باران را به امر حق به دوش می‌کشند و اما برخی معادل ابل (شتر) گرفته‌اند.

فالجاریات یسرا: مترجمین عمدتاً نوشته‌اند: قسم به کشتی که آسان روی آب روان شود اما برخی معادل خیل (اسبان) گرفته‌اند (۷).

جانوران آیات الهی

از دید انسان موحد، اجزای جهان هستی جلوه‌هایی از قدرت، حکمت و جمال الهی هستند. حیوانات مختلف با گستردگی و تنوع اعجاب آور، همه نشانه‌ها و آیات آفرینش الهی هستند و به قول شیخ اجل سعدی شیرین سخن:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم از اوست

عاشقم بر همه عالم که همه عالم از اوست

خداوند متعال از انسان می‌خواهد به این جلوه‌های آفرینش با چشم بصیرت بنگرد و از صنع به صانع پی‌برد. انسان طالب کمال و جویای حقیقت که حجاب‌های نفسانی دیدگان دل او را نابینا نکرده باشد با دیدن آیات الهی به یاد او می‌افتد و ایمانش قوت و جلا می‌یابد (۴).

در قرآن کریم در آیات متعددی از حیوانات به عنوان آیات الهی نام برده شده است که آنها را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد:

حیوانات به‌طور عام به عنوان آیات الهی:

و فی خلقکم و مایبث من دابه ایات لقوم یوقنون (آیه ۴/جاثیه).

الف- حیوانات اهلی و کشاورزی مثل بقره (گاو)، غنم (گوسفند)، معز (بز)، کلب (سگ)، خیل (گروه اسبان، لفظ مفرد ندارد)، حمیر (الاغ، خر) و بغال (جمع "بغل" به معنای قاطر).

ب- حیوانات وحشی مثل ذئب (گرگ)، سبع (جانور درنده)، ظباء (جمع "ظبی" به معنای آهو)، فیل و وحوش. تمامی این حیوانات برای اعراب بادیه نشین شناخته شده بوده و جز فیل، مابقی در زیستگاهشان یافت می‌شده است.

ج- پرندگان مانند غراب (کلاغ)، هدهد.

د- حشرات مانند نحل (زنبور عسل)، نمل (مورچه)، جراد (ملخ)، قمل (شپش، کنه)، بعوض (پشه)، ذباب (مگس)، موریانه و عنکبوت).

ه- حیوانات آبی مانند حوت (ماهی بزرگ، جمعش حیتان، احوات و حوته) است و سمک (ماهی) بوده است.

در قرآن کریم، گاه از حیوان واحدی با اسامی متعدد یاد شده است که تمامی آنها نزد اعراب و بادیه‌نشینان شناخته شده بوده و در زبانشان متداول است مثلاً از شتر با عناوین: ابل، جمال، بعیر و ناقه و توصیفات: بدن، عشار و الحاملات وقراً یاد شده است. از مار با دو عنوان حیه و ثعبان و از گوسفند (نعجه) با عناوین غنم و ضأن یاد شده است.

- چگونگی کاربرد کلمات مرتبط با حیوانات

اسامی سور قرآنی

برخی اسامی سوره‌های قرآنی را اسامی حیوانات یا فرآورده‌های آنها تشکیل می‌دهد:

بقر، نحل، نمل، عنکبوت، فیل، عادیات

سه سوره از قرآن کریم به نام حشرات نامگذاری شده‌اند. بزرگترین سوره قرآن، "بقره" نام دارد و سوره "فیل" هم از کوچک‌ترین سوره‌های قرآنی است.

سوگند به حیوانات

در آیات زیادی از قرآن کریم به حیوانات سوگند یاد کرده و ارجمندی و منزلت آنها را با آوردن وصف‌هایی در نهایت

اولم یروا الی الطیر مسخرات فی جوالسما ما یمسکهن الاالله ان فی ذلک لایات لقوم یؤمنون (۷۹/ نحل): آیا به مرغان هوا نمی‌نگرند که جو آسمان مسخر آنها است و به جز خدا کسی نگهبان آنها نیست در این امر برای اهل ایمان نشانه‌های خدا آشکار است.

در این آیات مطالعه اندیشمندان چهار پایان، شتر و پرندگان مطرح شده است. مرحوم علامه طباطبایی (ره) این حدیث را از پیامبر اکرم (ص) نقل نموده‌اند که: در مخلوقات الهی تفکر کنید و در ذات حق می‌اندیشید (۹).

۴- هدفداری جهان و عبث نبودن آفرینش موجودات

با عنایت به دیدگاه‌های اسلام عزیز، همه اجزای جهان هستی از شأن و جایگاه خویش برخوردارند و خلقت هیچ موجودی عبث و بیهوده نیست چنانچه در آیات ۳۸-۳۹ سوره دخان چنین آمده است:

”و ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما لاعین- ما خلقناهما الا بالحق و لکن اکثر هم لایعملون“: ما آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست را باز آنچه خلق نکردیم- آنها را جز به حق نیافریدیم ولیکن اکثر مردم نمی‌دانند.

در آیات ۱۹۱-۱۹۰ سوره آل عمران، ۸۵/ حجر و ۲۸-۲۷/ ص، ۴۴/ اسری و ۱۶ و ۱۸/ روم نیز هدفداری خلقت به خوبی بیان شده است.

۶- شمول قوانین کلی جهان هستی بر جانوران

با نظری دقیق به جهان آفرینش، هماهنگی و وحدت در مجموعه آن به خوبی مشاهده می‌گردد چنانچه خداوند متعال در آیه سوم سوره ملک می‌فرماید: ”ماتری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور“ یعنی در آفرینش (خدای) رحمان هیچ تفاوتی نمی‌بینی، به دقت نظر کن آیا هیچ فطور و اختلالی در نظام عالم می‌بینی؟

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان در باره این آیه می‌نویسند: ”منظور از نبودن تفاوت در خلق، این است که تدبیر

و در خلقت شما آدمیان و انواع بی‌شمار حیوانات که روی زمین پراکنده‌اند نشانه‌هایی برای اهل یقین آشکار است. و نیز آیات ۱۶۴/ بقره، ۱۸-۱۰/ نحل، ۲۹/ شوری و ۶۷-۶۶/ نحل.

- ذکر حیوانات به طور خاص

به عنوان مثال، در آیه ۷۳/ اعراف ناقه صالح به عنوان آیتی الهی نام برده است: هذه ناقه الله لکم آیه و نیز آیات ۷۷/ اعراف، ۵۹/ اسراء، ۳۱-۲۷/ قمر، ۱۴-۱۱/ شمس و ۱۵۹-۱۵۴/ شعراء آشنایی با آیات شگفت‌انگیز جهان خلقت که هر کدام به تنهایی نشان دهنده عظمت و قدرت آفریننده توانای خود هستند راهی است که هم پژوهشگران بزرگ چون کپلر و انیشتاین و نیوتن را به خدا می‌رساند و هم صحرائشینان تحصیل نکرده را (۶).

دعوت قرآن به مطالعه اندیشمندان جانوران

مطالعه اندیشمندان جانوران مورد توجه قرآن کریم بوده است و از انسان‌هایی که در این مخلوقات تدبیر نمی‌کنند گلایه شده است:

”اولم یروا انا خلقنا لهم ماعملت ایدینا انعاما فهم لها مالکون- و ذلناهم فمناهم کوبهم و منها یاکلون - ولهم فیها منافع و مشارب افلا یشکرون“: (۷۳-۷۱/ یس): آیا ندیدند که برای آنها به دست خود چهار پایان را آفریدیم تا مالک آنها شوند- و آن حیوانات را مطیع و رام آنها ساختیم هم بر آنها سوار شوند و هم غذا تناول کنند- و در آن حیوانات منافع بسیار و آشامیدنی برای مردم قرار دادیم آیا تشکر این نعمت‌ها را نباید بجا آورند؟ افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت (۱۷/ غاشیه): آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟

اولم یروا الی الطیر فوقهم صافات و یقبض ما یمسکهن الا الرحمن انه بکل شیء بصیر (۱۹/ الملک):

آیا به پرندگان نمی‌نگرند که بالای سرشان پرگشوده و گاه با حرکت و گاه بی‌حرکت بال پرواز می‌کند. کسی جز خدای مهربان آنها را در فضا نگاه نمی‌دارد که او به همه موجودات آگاه است.

آسمان و زمین است (برای انسان) یاد شده است. بدیهی است که در همه این موارد مقصود این است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان و مورد استفاده و بهره‌برداری انسان هستند».

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیات ۱۳-۱۲ جاثیه می‌نویسند: «معنای تسخیر آنچه در آسمان‌ها و زمین است برای انسان، این است که اجزاء عالم مشهود همه بر طبق یک نظام جریان دارد و نظامی واحد بر همه آنها حاکم است و بعضی را به بعضی دیگر مرتبط و همه را به انسان مربوط و متصل می‌سازد و در نتیجه انسان در زندگی خود از موجودات علیا و سفلی منتفع می‌شود و روز به روز دامنه انتفاع و بهره‌گیری جوامع بشری از موجودات زمینی و آسمانی گسترش می‌یابد و آنها را از جهات گوناگون واسطه رسیدن به اغراض خود یعنی مزایای حیاتی خود قرار می‌دهد پس به همین جهت تمامی این موجودات مسخر انسانند».

می‌توان استنباط نمود که از نظر جهان بینی اسلام، آنقدر به انسان ارزش و مقام داده شده که خداوند همه موجودات دیگر را مسخر این انسان ساخته است و از او خواسته از این مواهب در جهت بهره‌گیری از فضل خدا کمک گیرد و سپاسگزار نعم الهی باشد.

برخی مصادیق بهره‌مندی انسان از حیوان

در قرآن کریم علاوه بر اشارات کلی در مورد خدمت حیوانات به انسان (و الانعام خلقها لکم: ۵/نحل ...) به برخی بهره‌مندی‌های انسان از حیوانات اشاره شده است:

رفع نیازهای غذایی

در آیات ۸۱-۷۹/غافر (مؤمن)، ۱۴۲/انعام و ۵/نحل بهره‌گیری غذایی انسان از چهارپایان و در آیه ۱۴/نحل بهره‌مندی از غذیه دریایی مطرح شده است. علاوه بر استفاده انسان از گوشت حیوانات، در آیه ۶۶ سوره نحل با تعبیر زیبا، به استفاده از شیر دام‌ها نیز اشاره شده است: «و ان لکم فی الانعام لعبره نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث و دم لبناً خالصاً سائغاً للشاربین»: و

الهی در سراسر جهان زنجیروار متصل بهم است و موجودات بعضی به بعض دیگر مرتبند به این معنا که نتایج حاصله از هر موجودی عاید موجود دیگر می‌شود و در نتیجه دادش (به) موجوداتی دیگر وابسته و نیازمند است... اگر بخواهی یقین کنی که در سراسر خلقت تفاوتی نیست باید با دقت نظر کنی».

برای ما، این هماهنگی و وحدت در موجودات زنده به‌ویژه هر چه از نظر تکاملی به انسان نزدیکتر شویم مشهورتر است. در آیه سی و هشتم از سوره انعام آمده است: «و ما من دابه فی الارض و لاطائر یطیر بجناحیه الا امم امثالکم ما فرطنا فی الكتاب من شیء ثم الی ربهم یحشرون» یعنی به هیچ جنبنده‌ای در زمین و پرنده‌ای که با دو بال خود می‌پرد نیست مگر اینکه آنها نیز همانند شما گروه‌هایی هستند و همه به سوی پروردگار خود محشور خواهند شد، ما در بیان کتاب از چیزی فروگذار نکردیم».

مرحوم علامه طباطبایی (ره) در بحث مبسوطی ذیل آیه شریفه مذکور، شباهت اجتماعات حیوانی به انسانی از نظر کثرت و عدد، هدفداری و حتی نوعی از زندگی ارادی و شعوری را مطرح نموده و می‌نویسند: «تفکر عمیق در ادوار زندگی حیواناتی که ما در بسیاری از شئون حیاتی خود با آنها سروکار داریم و در نظر گرفتن حالات مختلفی که هر نوع از انواع این حیوانات در مسیر زندگی به‌خود می‌گیرند ما را به این نکته واقف می‌سازند که حیوانات هم مانند انسان دارای آراء و عقاید فردی و اجتماعی هستند (۷).

خدمات جانوران به انسان

تسخیر موجودات

در آیات متعددی از قرآن کریم تسخیر طبیعت برای آدمی ذکر شده است: ۱۶۴/بقره، ۳۲/ابراهیم، ۱۴/نحل، ۶۶-۷۰/اسراء، ۶۵/حج، ۱۳-۱۲/جاثیه، ۱۲/فاطر، ۴۶/روم، ۲/رعد و ۲۰/لقمان.

استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در مورد تسخیر می‌نویسند: «در قرآن از مسخر کردن ماه، خورشید، شب، روز، دریا، نهرها، کوهها (برای داود پیغمبر)، باد (برای سلیمان) و هر چه در

آیه ۶ سوره نحل چنین است: و لکم فیها جمالٌ حین تریحون و حین تسرحون. "و صحنه آمد و شد حیوانات از چراگاه برای شما زیباست" علاوه بر این، خود «سوارکاری» سبب تجدید نشاط روحی است چنانچه از حضرت رضا (ع) منقول است که: الطیب نثره و العسل نثره والركوب نثره و النظر الی الخضرة نثره: بوی خوش، عسل، سوارکاری و نگاه کردن به سبزه‌زارها باعث نشاط روحی است (۷).

استفاده نظامی

چنانچه قبلاً اشاره شد در قرآن کریم بر تقویت توان نظامی تأکید شده است و از جمله فرموده است: و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم ". . . (۶۰/انفال): و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آنها خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید . . .

استفاده برای پوشش

از موارد دیگر استفاده از حیوانات که در قرآن به آنها اشاره شده استفاده برای تهیه لباس است: آیه ۵ سوره نحل: «و الانعام خلقها لکم فیها دفءٌ و منافع و منها تأکلون»: و چهارپایان را برای انتفاع شما آفرید تا از خود به موی و پشم آنها دفع سردی و گرمی کرده و از آنها غذای خود را فراهم کنید.

همچنین به ایجاد منزل با استفاده از پوشش حیوانات اشاره شده است: آیه ۸۰/نحل: والله جعل لکم من بیوتکم سکناً و جعل لکم من جلود الانعام بیوتاً تستخفونها یوم طعنکم و یوم اقامتکم و من اصوافها و اوبارها و اشعارها اثاثاً و متاعاً الی حین»: و خدا برای سکونت دائم شما منزل‌ها و برای سکونت موقت شما خیمه‌هایی از پوست چهارپایان قرارداد تا وقت حرکت و سکون سبک وزن و قابل انتقال باشد و از پشم و کرک و موی آنها اثاثیه منزل و متاع و اسباب زندگی و لباس‌ها خلق فرمود تا در زندگی دنیا از آن استفاده کنید.

البته برای شما ملاحظه حال چهارپایان همه عبرت و حکمت است که ما از میان سرگین و خون، شیر پاک می‌نوشانیم که برای همه نوشندگان گواراست.

استفاده برای سواری

آیه‌های ۷۹-۸۱ سوره غافر چنین است: "الله الذی جعل لکم الانعام لتربکوا منها و منها تأکلون- و لکم فیها منافع و لتبلغوا علیها حاجه فی صدورکم و علیها و علی الفلک تحملون- و یریکم آیاته فای آیات الله تنکرون". خداست آنکه برای شما آدمیان، چهارپایان را آفرید تا بر بعضی سوار شوید و از برخی تغذیه کنید- و نیز منافع بسیار دیگر از آنها ببرید و حوائج مورد نظر خود را بوسیله آنها رفع کنید و بر کشتی در آب سوار شوید- و خدا آیات خود را به شما ارائه می‌دهد پس کدامیک از آیات الهی را می‌توانید انکار کنید.

حمل بار

در آیات ۱۴۲/انعام و ۷/نحل به این امر اشاره شده است چنانچه در مورد آخر آمده است: "و تحمّل اثقالکم الی بلد لم تکونوا بالغیه الا بشقّ النفس ان ربک لرؤف رحیم". و (حیوانات) بارهای سنگین شما را که جز به مشقت زیاد نمی‌توانید ببرید از شهری به شهر دیگر می‌برند که خدای تعالی در باره شما رؤف و مهربان است."

آیه ۱۴۲/انعام نیز چنین است: "و من الانعام حمولاً و فرشا کلاوا مما رزقکم الله و لاتتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین". از بعضی حیوانات استفاده باربری و سواری کنید و بخورید از آنچه خدا روزی شما کرده و از پی اغوای شیطان نروید که او دشمن آشکار شماست."

بهره‌گیری روحی و روانی

در برخی آیات کریمه قرآن، اثرات آرامش و نشاط آفرین جلوه‌های طبیعت یادآوری شده است چنانچه در آیه ۶ سوره نحل، به زیبایی و جمال هنگام آمد و شد حیوانات از چراگاه و در آیه ۶۹ سوره بقره به رنگ حیوانات و اثر نشاط بخش آن (رنگ زرد) اشاره می‌کند.

الهام گیری علمی از طبیعت (بیونیک)

حیوانات در موارد بسیاری معلم انسان بوده‌اند چنانچه دفن جسد را قابیل از کلاغ آموخت (۳۱/مائده). از حضرت صادق (ع) نقل شده که فرمودند: فالصناعه مأخوذه من الخلقه... پس صنعت از خلقت گرفته شده است.

بیونیک (Bioniques) روش مطالعه اعمال، مشخصات و پدیده‌های دنیای زنده و بهره‌گیری از آنها برای دستیابی به تکنیک‌ها و وسایل جدید در دنیای ماشین‌ها است. پیشرفت دانش بشری تا حد زیادی مرهون الهام از طبیعت و تقلید از آفریده‌های خداوند است. ساختن هواپیما، زیردریایی، پرورش نوزاد در شرایط مصنوعی و... نمونه‌هایی از این موارد هستند.

نگهبانی

از همراهی سگ با اصحاب کهف شاید بتوان این نوع استفاده را استنباط نمود (آیات ۲۲-۱۸/کهف): «و کلبهم باسطاً ذراعیه بالوصید...» و سگ آنها، با دستان گشوده بر در غار بود.

استفاده برای قربانی

از استفاده‌های دیگر برخی حیوانات، انجام عمل عبادی قربانی کردن است: «لن ینال الله لحومها و لادماؤها و لکن یناله التقوی منکم کذلک سخرها لکم لتکبرو الله علی ما هدیکم و بشر المحسنین» (۳۷/حج). هرگز گوشت و خون این قربانی‌ها نزد خدا به درجه قبول نمی‌رسد بلکه تقوای شما است که به پیشگاه قبول او خواهد رسید و این بهائم را مسخر شما ساخته تا خداوند که شما را هدایت فرمود تکبیر و تسبیح گوید و تو ای رسول، نیکوکاران را بشارت ده.

ارضای جمال و زینت طلبی انسان

در حیوانات جلوه‌هایی از جمال و زیبایی وجود دارد که به ارضای حس تزئین و زینت خواهی آدمی کمک می‌کند. موارد زیر مصادیقی از این امر هستند:

استخراج زیورهای دریایی با منشاء حیوانی (آیه ۱۴ سوره نحل) زینت دهی خود به اسب‌های نیکو (داستان اسبان حضرت سلیمان (ع))

در آیه ۸ سوره نحل: «و الخیل و البغال و الحمیر لتركبوها و زینة و یخلق ما لاتعلمون»: و اسب و استر و حمار را برای سواری و تجمل مسخر شما گردانید و چیز(های) دیگری که شما نمی‌دانید می‌آفریند.

استفاده درمانی

چنانچه عسل را به عنوان فرآورده‌ای از حیوان (زنبور عسل) مد نظر قرار دهیم در قرآن کریم صریحاً آمده است: فیه شفاء للناس (۶۹/نحل).

سایر موارد

در برخی آیات قرآنی، استفاده از حیوانات به طور عام هم مطرح شده از جمله در آیه ۸۰ سوره غافر آمده است: «و لکم فیها منافع...» و نیز در آیه ۵ سوره نحل: «و الانعام خلقها لکم فیها دفء و منافع و منها تأکلون» و همچنین در آیه ۱۳۳-۱۳۴/سوره شعراء: «و اتقوا الذی امدکم بما تعلمون- امدکم بانعام و بنین»: در برابر خداوندی که شما را به آنچه خود می‌دانید مدد و قوت بخشید تقوا داشته باشید. شما را با آفرینش چهارپایان و فرزندان کمک نمود.

قابل استنباط است که راه انتفاع انسان علاوه بر مصادیق فوق‌الذکر همچنان وجود دارد شاید بیوتکنولوژی یکی از این موارد باشد (۷).

مقایسه انسان و حیوان

هر چند در قرآن کریم، جایگاه بسیار والایی برای انسان قایل شده است و حتی پس از بیان آفرینش او، به خالق انسان آفرین گفته است: فتبارک الله احسن الخالقین (۱۴-۱۲/مومنون) اما انسان‌های هوا پرست که خود را از شنیدن و درک حقایق محروم ساخته‌اند همانند حیوانات و بلکه بدتر از آنها می‌داند: ارایت من اتخذ الله هویه افانت تکون علیه وکیلا- ام تحسب ان اکثرهم یسمعون او یعقلون ان هم الا کالانعام بل هم اضل سیلا (۴۳-۴۲/فرقان).

ان شرالدواب عندالله الصم البکم الذین لایعقلون (۲۲/انفال).

شما را به بهتر از اینها که محبوب شماست آگاه کنم. برای آنها که تقوی پیشه کنند نزد خدا باغ‌های بهشتی است که زیر درختان آن نهرها جاری است و در آن جاوید متنعم هستند و زنان پاکیزه و آراسته و خشنودی خدا برای آنهاست و خداوند به حال بندگان بیناست.

در قرآن کریم در آیات ۳۳-۳۰ سوره ص به داستان حضرت سلیمان(ع) و علاقمندی او به اسبان اشاره شده است: "و به داود فرزندش سلیمان را عطا کردیم او بسیار نیکوبنده‌ای بود زیرا به درگاه خدا (با تضرع و زاری) رجوع می‌کرد- یادکن وقتی را که بر او اسب‌های بسیار تندرو و نیکو، هنگام عصر ارائه دادند (او به بازدید اسبان پرداخت). در آنجا گفت افسوس که من از علاقه و حب اسبهای نیکو از ذکر نماز خدا غافل شدم تا آنکه آفتاب در حجاب شب رخ بنهفت- آنگاه به فرشتگان موکل آفتاب خطاب کرد (که به امر خدا) آفتاب را بر من باز گردانید (چون برگشت) او نماز کرد و شروع به دست کشیدن بر ساق و گردن اسبان کرد (و همه را برای جهاد در راه خدا وقف کرد)".

احترام به حیوانات

با توجه به آیات مربوط به حیوانات در قرآن کریم و بخصوص اگر آنها را بهره‌مند از شعور و نیز معرفت نسبت به حق بدانیم باید به آنها در حد خود احترام گذاشت و ضمن رعایت حقوق آنها، از ایداء حیوانات و تضييع حقوق آنها اجتناب نمود. امام خمینی (ره) در نامه‌ای به فرزند خود حجه الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی (ره) می‌نویسد: پسر! اگر می‌توانی با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همه موجودات به‌ویژه انسان‌ها نظر رحمت و محبت کن مگر نه این است که کافه موجودات از جهات عدیده که به احصاء در نیاید مورد رحمت پروردگار عالمیان می‌باشند، مگر نه آنکه "وجود" و "حیات" و ... از رحمت‌ها و موهبت‌های الهی است که گفته‌اند "کل موجود مرحوم" ... پس چرا آنچه و آنکس که مورد عنایت و الطاف و محبت‌های الهی است مورد محبت ما نباشد؟ و اگر

ان شر الدواب عندالله الذین کفروا فهم لایومنون- الذین عاهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره وهم لایتقون (۵۶- /۵۵ انفال)

چون شوی هم‌مره حوران بهشتی که ترا همه در آب و گیاه است نظر چون انعام

حیوانات و اعجاز انبیای الهی

در برخی آیات قرآن، در قالب بیان معجزات انبیای الهی، از حیوانات سخن گفته شده که مطالعه آنها برای آدمی عبرت آموز است از جمله:

- داستان معجزات حضرت موسی علیه‌السلام: تبدیل عصا به اژدها و باطل کردن سحر فرعونیان ۳۲-۳۰ شعراء، ۱۰۷/اعراف، ۲۰-۱۹/طه.

داستان خواب صدساله حضرت عزیر علیه السلام و مرگ و زندگی الاغ او (۲۵۹/بقره).

حیوانات وسایل آزمایش آدمی و تاکید بر عدم وابستگی به آنها فوائد گوناگون حیوانات که به آنها اشاره شد و همزیستی و مجاورت انسان با آنها می‌تواند سبب علاقه شدید انسان به آنها شده به نحوی که نوعی وابستگی شدید برای او ایجاد کند و سبب غفلت آدمی از حق شود. به عبارت دیگر حیوانات از اسباب ابتلاء آدمی هستند.

از آیات ۱۵-۱۴ سوره آل عمران چنین مطلبی قابل استنتاج است: "زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطر المقنطره من الذهب و الفضة و الخیل المسومه و الانعام و الحرث ذلک متاع الحیوه الدنیا و الله عنده حسن الماب- قل اوئنبکم بخیر من ذلکم للذین اتقوا عندربهم جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و ازواج مطهره و رضوان من الله و الله بصیر بالعباء". برای مردم حب شهوات نفسانی که عبارت از میل به زنان و فرزندان و همیان های زر و سیم و اسب‌های نشاندار نیکو و چهارپایان و مزارع و املاک است در نظر زیبا و دلفریب است لیکن اینها همه متاع زندگانی فانی دنیا است و منزلگاه بازگشت نیکو نزد خداست- بگو ای پیامبر، می‌خواهید

نباشد این نقصی نیست برای ما؟! و کوتاه بینی و کوتاه نظری نیست؟! (۱۰).

موارد فقهی مربوط به جانوران

در آیات متعددی از قرآن احکام فقهی مربوط به حیوانات آمده است از جمله احکام مربوط به: - دستور خوردن طیبات: ۱۱۴/ نحل.

حلیت حیوانات حلال گوشت: ۱۴۴-۱۴۳/ انعام، ۱/ مائده.

احکام ذبح و شکار توسط حیوانات شکاری: ۴-۳/ مائده، ۳۶/ حج.

حرمت خوردن گوشت خوک، میته، خون، حیوانات ذبح نشده یا ذبح شده با نام غیر خدا، خفه شده، پرت شده از بلندی، مرده بر اثر شاخ حیوان دیگر، حیوانات قربانی شده برای بت‌ها و ...:

۱۱۵/ نحل، ۱۴۵/ انعام، ۳/ مائده، ۱۳۸/ انعام.

حرمت صید حرم و کفاره آن: ۹۵/ مائده، ۲-۱/ مائده.

نهی از حرمت‌های بیجا: ۱۴۵-۱۴۴/ انعام، ۱۵۰-۱۴۸/ انعام.

رفع حرمت در موارد اضطرار: ۱۱۵/ نحل.

بحث و نتیجه‌گیری

آنچه در این مقاله فهرست وار عرضه شد به‌خوبی نشان می‌دهد دریای عمیق معارف قرآنی، بسیاری درهای ارزشمند دارد که بهره‌گیری از آنها نیازمند تحقیق و تفحص و غواصی است. احکام بهداشتی منطبق بر مسلمات علوم معاصر در لابلای آیات قرآن، احادیث و روایات و سنت و سیره ائمه اطهار (ع) فراوان بوده و ملل مسلمان در اغلب موارد کم توجه به عمق آن هستند. احادیث و روایات منقول از بزرگان دین که در منابع بکر موجودند، در عین سادگی محتوی نکات کاملاً بکر و اعجاز برانگیزند. احکام پنج گانه واجب، حرام، مستحب، مکروه و مباح به دور از هر نوع تعبیر و تفسیر و قلم زدگی‌ها با مسلمات آخرین دستاوردهای علم روز منطبق بوده و قابل دفاع علمی و منطقی می‌باشد.

لذا پیشنهاد می‌شود در جهت ایجاد فکری و فرهنگی هیئتی از علمای مبرز حوزه‌های علمیه و نیروهای متعهد و متخصص دانشگاه‌ها که به اهمیت مطلب واقفند تشکیل و موارد لازم را به طور همه جانبه بررسی نموده و نتایج مسلم را به صورت دایره المعارف‌هایی چاپ و به زبان‌های مختلف منتشر نمایند. بی‌شک این بررسی مفید در تنویر افکار و رفع ابهامات و شبه‌ها در بین مسلمین و در گرایش افراد بی‌غرض به آئین فطری عمیقاً مؤثر واقع خواهد شد. از حیوانات اهلی فقط گوسفند و گاو و شتر حلال گوشت است و خوردن اسب و الاغ و قاطر مکروه است و جز این شش دسته، سایر حیوانات اهلی مانند گربه و سگ حرام گوشت هستند. حیوانات وحشی حلال نیستند مگر انواع آهو و غزال و بز کوهی و قوچ و گاو وحشی و الاغ وحشی و گوره خر. گوشت تمام حیوانات درنده یعنی گوشتخوارانی که دارای نیش و چنگالند خواه قوی باشند مانند شیر و پلنگ و گرگ و یا ضعیف باشند مانند روباه و کفتار و هر چند گوشت خرگوش هر چند جزء درندگان نیست، تمام انواع حشرات خوردنشان حرام است مانند مار و موش خانگی و صحرائی، سوسک و کرم، خارپشت و غیره.

از آنچه گذشت دانسته می‌شود که جز سگ و خوک هر حیوان حرام گوشتی که تذکیه می‌شود پاک است ولی خوردنش حرام است و اگر تذکیه نشود مرده‌اش نجس نیز می‌باشد ولی اگر خون جهنده نداشته باشد و بدون تذکیه مرده، خوردنش حرام ولی نجس نیست مانند مار و کرم و هر حیوان حلال گوشتی که تذکیه شده پاک و خوردنش حلال است و اگر بدون تذکیه مرده نجس و حرام است مگر اینکه خون جهنده نداشته باشد که در این صورت خوردنش حرام ولی نجس نیست مانند ماهی که در آب مرده باشد بنابراین میته که خوردنش حرام است. مردار حیوانی است که بدون تذکیه شرعی مرده باشد خواه به وسیله مرض و رسیدن اجلش یا سببی از اسباب خارجی ناگهانی مرده باشد یا به تدری. در آیه شریفه قرآن این پنج قسم را میته و از افراد مردار می‌داند.

منابع

۱. قران کریم
۲. بی‌آزار شیرازی، ع.ک. ۱۳۶۱. رساله نوین. انتشارات مؤسسه انجام کتاب، جلد سوم، صفحه: ۱۶۲.
۳. تاج بخش، ح. ۱۳۷۵. تاریخ دامپزشکی ایران. انتشارات سازمان دامپزشکی کشور با همکاری انتشارات دانشگاه تهران، جلد دوم، صفحات: ۳۹-۴۳.
۴. حبیبی، ط. ۱۳۷۶. جانورشناسی عمومی. جلد سوم، بند پایان، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم، صفحه: ۲۸۳.
۵. خمینی، ر. ۱۳۶۸. تحریرالوسیله، چاپخانه دفتر انتشارات اسلامی، جلد سوم، صفحه: ۲۳۹.
۶. ربانی، م. ۱۳۷۵. مسائل اخلاقی در آزمایش بر روی حیوان. اولین کنگره اخلاق در داروسازی، صفحه: ۲۳۵.
۷. ربانی، م. ۱۳۸۷. درس‌هایی از قرآن کریم در مورد حیوانات، صفحات: ۵، ۷، ۲۸.
۸. شهید اول، شمس‌الدین محمد، لمعه. ۱۳۷۲. ترجمه علی رضا فیض، انتشارات دانشگاه تهران، جلد اول، صفحه: ۲۲۴.
۹. طباطبائی س.م. ۱۳۸۲. تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، انتشارات دارالعلم، جلد بیست و چهارم و شانزدهم، صفحات: ۱۷۱، ۱۸۳، ۲۰۹.
۱۰. طباطبائی، ف. ۱۳۸۲. سلوک عرفانی امام خمینی، اطلاعات ضمیمه شماره ۸۲/۳/۱۳، ۲۲۷۸۶.